

جایگاه حاکمیت اراده در قانون حاکم بر طلاق در قوانین

موضوعه و اسناد بین‌المللی^۱

رضا مقصودی^۲

چکیده

طلاق به عنوان مصداقی از احوال شخصیه، به طور معمول در نظام‌های حل تعارض، از عامل ارتباط معین مانند تابعیت یا اقامتگاه پیروی می‌کند. سؤال اساسی این است که آیا زوجین به عنوان دو طرف رابطه حقوقی می‌توانند قانون حاکم بر طلاق را انتخاب کنند؟ اصولاً رعایت مصالح دولت‌ها و منافع اشخاص ثالث، مجالی برای توافق خصوصی زوجین در این حیطه باقی نمی‌گذارد؛ در حقوق ایران نیز بر اساس تبعیت قاعده حل تعارض از قاعده مادی، قاعده حل تعارض راجع به طلاق، امری و غیرقابل تخلف محسوب می‌شود. با این وجود، تحولات حقوق بین‌الملل خصوصی موجب گسترش فضای حاکمیت اراده در دسته احوال شخصیه شده است و در بسیاری کشورها به زوجین اجازه می‌دهد قانون مطلوب خود را از بین قوانین مرتبط با طلاق انتخاب کنند. بررسی حقوق کشورهای اروپایی به خصوص در پرتو مصوبه سال ۲۰۱۰ اتحادیه اروپا و همچنین رویه متداول در دادگاه‌های ایالات متحده مبین تضعیف عوامل ارتباط سنتی و ارتقای جایگاه حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر طلاق است. این تحولات بر حقوق ایران نیز تأثیر خواهد داشت. به طوری که دادگاه ایرانی می‌تواند در مورد اتباع خارجی با استفاده از قواعد احاله درجه یک، قانون منتخب زوجین یعنی قانون ایران را به مورد اجرا گذارد.

واژگان کلیدی

طلاق، عامل ارتباط، تابعیت، اقامتگاه، قانون مقر، حاکمیت اراده

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸

rmaghsoody@gmail.com

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

مقدمه

از دیرباز نویسندگان با ذکر برخی نمونه‌ها، کشورهای جهان را از حیث احوال شخصیه به دو دسته تقسیم می‌کردند. دسته‌ای را تابع عامل تابعیت و دسته دیگر را تابع عامل اقامتگاه می‌شمردند (فدوی، ۱۳۸۵، ص ۷۲). این مقاله نشان می‌دهد که این تقسیم سنتی جامع و مانع نبوده و با قواعد حل تعارض کشورهای مختلف منطبق نیست. بسیاری از کشورهای احوال شخصیه را تابع قانون مقر دادگاه، قانون محل سکونت عادی و حتی قانون منتخب اشخاص ذی‌ربط می‌دانند.

بسیاری از کشورها با رعایت برخی ملاحظات حداقل در دسته قراردادهای قواعد حل تعارض را اختیاری فرض کرده‌اند و فضایی برای متعاقدين جهت انتخاب قانون مناسب بازگذاشته‌اند. در کشور ما همچنان مناقشات زیادی درباره امری یا اختیاری بودن قواعد حل تعارض حتی در دسته قراردادهای وجود دارد و برخی نویسندگان در سایه اختیار محدود مندرج در قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی برای انتخاب قانون حاکم توسط اتباع خارجی، قاعده حل تعارض راجع به قراردادهای را برای اتباع ایرانی الزامی و غیرقابل تغییر می‌دانند (نیکبخت، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴).

در دسته احوال شخصیه حاکمیت اراده و احترام به توافق خصوصی طرفداران کمتری دارد. دولت‌ها همچنان به عنوان مدعی منافع عمومی و به عنوان صیانت از حقوق شهروندان، منفعی در این حوزه برای خود قائل هستند. یک دولت حق مطلق برای تنظیم شرایط ازدواج میان شهروندان خود و اسباب انحلال آن دارد و منافع دولت‌ها در تنظیم مقررات ازدواج به طور کلی مفروض است (H. Bix, 2002, P.267).

برای بسیاری دولت‌ها همچنان قابل تحمل نیست که قانون حاکم بر اهلیت، ازدواج، طلاق یا وصیت را به میل و اراده افراد واگذارند و عرصه را برای حاکمیت اراده خصوصی خالی کنند.

بیان مسأله

مسأله اساسی مورد مطالعه در این مقاله آن است که در مورد قانون حاکم بر طلاق غیر

از عوامل ارتباط سنتی و شناخته‌شده که همانا تابعیت و اقامتگاه است، چه عوامل ارتباط دیگری در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. آیا طرفین دعوی می‌توانند خود به انتخاب قانون حاکم بر طلاق بپردازند و آیا حاکمیت اراده همانند دسته قراردادهای در دسته احوال شخصیه نیز رسوخ یافته است؟

مفهوم‌شناسی مصطلحات

در آغاز بحث، به تعریف واژگان کلیدی پژوهش حاضر می‌پردازیم: **طلاق**: مصداقی از احوال شخصیه و روش متداول انحلال ازدواج است. **عامل ارتباط**: عبارت از معیار یا شاخصی است که در هر دسته ارتباط ما را به سوی قانون حاکم هدایت می‌کند.

تابعیت و اقامتگاه: عوامل ارتباط سنتی و رایج در دسته احوال شخصیه است که دولت‌ها معمولاً یکی از این دو عامل ارتباط را استفاده می‌کرده‌اند.

قانون مقر: یکی از مهم‌ترین عوامل ارتباط در سیستم‌های حل تعارض است که از وصف جانشینی نیز برخوردار است. یعنی اگر قانون خارجی صلاحیت‌دار به دلایلی از قبیل نظم عمومی قابل اعمال نباشد، قانون مقر دادگاه جایگزین قانون خارجی می‌شود.

حاکمیت اراده: یکی از عوامل ارتباط رایج در دسته قراردادهاست که به تازگی بعضی کشورها در سایر دسته‌های ارتباط مانند احوال شخصیه، مورد پذیرش قرار داده‌اند.

قانون حاکم بر طلاق در کشورهای اروپایی

در میان کشورهای اروپایی، پراکندگی زیادی در قانون حاکم بر طلاق وجود دارد. در انگلیس مطابق گزارش مجلس اعیان، دادگاه به محض احراز صلاحیت قضایی، قواعد داخلی کشور انگلیس را برای اعمال طلاق یا عدم اعمال طلاق اجرا می‌کند. قبرس، دانمارک، ایرلند، سوئد و فنلاند از همین روش تبعیت می‌کردند (House of Lords Report, 2006, P.6).

به عبارت دیگر، در این کشورها قاعده حل تعارض راجع به طلاق به صورت یکجانبه وضع شده و اعمال می‌شود. برخلاف قواعد حل تعارض دوجانبه که گاه دادگاه را به

سوی اجرای قانون خارجی و گاه به سوی قانون مقر دادگاه هدایت می‌کند، قاعده حل تعارض یکجانبه صرفاً بر تعیین محدوده اجرای قانون دولت متبوع دادگاه تمرکز دارد. اما اکثریت کشورهای عضو اتحادیه اروپا از قاعده حل تعارض دوجانبه استفاده می‌کردند و قانون قابل اعمال بر طلاق را با ارجاع به عواملی مانند تابعیت، اقامتگاه یا محل سکونت تعیین می‌کردند. برخی کشورها مانند ایتالیا، اسپانیا و لهستان به تابعیت مشترک زوجین به عنوان عامل ارتباط اصلی ارجاع می‌دادند؛ در حالی که برخی دیگر مانند لیتوانی و استونی در وهله اول قانون کشوری را اعمال می‌کردند که زوجین در آنجا اقامت یا سکونت عادی داشته‌اند (*House of Lords Report, 2006, P.7*).

در این میان، تنها سه کشور آلمان، هلند و بلژیک حق انتخاب قانون قابل اعمال را برای طرفین قائل بودند که البته این حق انتخاب نیز کاملاً محدود بود. مثلاً طبق پاراگراف ۲ ماده ۵۵ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی بلژیک، طرفین فقط می‌توانستند در حضور دادگاه، قانون کشور بلژیک یا قانون متبوع خود را انتخاب کنند (*Franzina, 2011, P.107*).

در چنین وضعیتی، آیین‌نامه ۲۰۱۰ اتحادیه اروپا با پذیرش قانون منتخب زوجین، تحولی در میان کشورهای عضو درباره قانون حاکم بر طلاق به وجود آورد. در سال ۲۰۰۶ اولین گزارش مشورتی کمیسیون اروپایی درباره صلاحیت و قانون قابل اعمال بر طلاق منتشر شد. در سال ۲۰۰۸ بعد از دریافت پاسخ‌های کشورهای عضو اتحادیه، شورای اروپا نتیجه گرفت که به دلیل ایرادها و اعتراض‌های مطرح توسط برخی کشورهای عضو، ایجاد اجماع برای حصول به نتیجه غیرممکن است. به همین دلیل، بر اساس ماده ۲۰ معاهده راجع به اتحادیه اروپا^۱ روش خاصی برای مشارکت کشورها ایجاد کرد. در ژوئای ۲۰۱۰ شورا به برخی کشورهای عضو اجازه داد تا یک نوع مشارکت در حوزه قانون قابل اعمال بر طلاق در میان خود ایجاد کنند. پنج ماه بعد چهارده کشور عضو مشارکت‌کننده با استفاده از مجوز شورای اروپا آیین‌نامه ۱۲۵۹/۲۰۱۰ را پذیرفتند. این آیین‌نامه از ۲۱ ژوئن ۲۰۱۲ در اتریش، بلژیک، بلغارستان، فرانسه، آلمان، مجارستان، اسپانیا، ایتالیا، لتویا، لوکزامبورگ،

مالت، پرتغال، رومانی، اسلونی و اسپانیا به اجرا درآمده است. البته امکان الحاق سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا به این آیین‌نامه وجود دارد. آیین‌نامه «Regulation» یکی از اسناد اتحادیه اروپاست که با همکاری شورای اروپا و پارلمان اروپا صادر می‌شود و به طور مستقیم و بدون نیاز به تصویب مراجع داخلی کشورهای عضو لازم‌الاجراست.

قانون حاکم بر طلاق در ایالات متحده

در ایالات متحده نیز قانون حاکم بر ازدواج و طلاق کاملاً متفاوت بود. اعتبار ازدواج به طور کلی تابع قانون محل ازدواج است؛ بدون آن‌که وجود هرگونه ارتباط با کشور محل ازدواج از حیث اقامت یا سکونت لازم باشد.^۱ طلاق می‌تواند در هر ایالتی اتفاق بیفتد که هر یک از زوجین در آن اقامت دارند. البته بیشتر ایالت‌ها در صورتی به این دعوی رسیدگی می‌کنند که زوجین حداقل یک سال قبل از وقوع طلاق در آن ایالت سکونت داشته باشند. هر دادگاه، قواعد طلاق حاکم در ایالت متبوع خود را اعمال می‌کند؛ حتی اگر قواعد این ایالت به طور ماهوی از قواعد محل ازدواج متفاوت باشد^۲ (H.Bix, 2002, P.259).

تحول و توجیه حاکمیت اراده در تعارض قوانین

پذیرش انتخاب قانون به عنوان یک عامل ارتباط در تعارض قوانین بدان معناست که طرفین اجازه یابند از قواعد تکمیلی و حتی از قواعد امری قانون اصولاً صلاحیت‌دار اجتناب کنند. انتخاب قانون در قرن شانزدهم توسط نویسندگان فرانسوی چارلز دمولن به عنوان یک عامل ارتباط مستقل معرفی شد. او بر اساس اراده مفروض زوجین، ازدواج را به جای قانون محل وقوع تابع قانون محل سکونت شوهر می‌داند. اولریخ هوبر نویسنده هلندی نیز در قرن هفدهم با توسل به اراده مفروض متعاقدين، قرارداد را تابع قانون محل اجرا می‌داند. در واقع اراده طرفین در این سال‌ها صرفاً دستاویزی برای اجتناب از قواعد

1- Restatement (second) of conflict of laws & 283(2) (1971)

2- Restatement (second) of conflict of laws 70 & 71 (1971)

قدیمی حل تعارض و اجرای یک عامل ارتباط جدید بوده است (Ruhl, 2012, P.2). پذیرش و پیروی از انتخاب طرفین ثبات حقوقی را افزایش می‌دهد و هزینه‌های تعیین قانون قابل اعمال را کاهش می‌دهد. از منظر اقتصادی نیز تجویز انتخاب طرفین، سودمندی اقتصادی را افزایش می‌دهد. طرفین تنها زمانی یک قانون را انتخاب می‌کنند که انتظار دارند انتخاب آن قانون، آن‌ها را در موقعیت بهتری قرار دهد. دلیل انتخاب اعم از آشنایی با قانون یا خنثی و بی‌طرف بودن آن نسبت به طرفین یا اعتبار آن قانون اهمیتی ندارد. مادام که طرفین آزادانه یک قانون را انتخاب کنند، این انتخاب سودمند است. در صورتی که خلأ بازار وجود نداشته، شرایط رقابتی حکمفرما باشد، انتخاب قانون می‌تواند به بهبود کیفی قواعد حقوقی کشورها منتهی شود. یعنی مسابقه‌ای برای بهتر شدن و انتخاب شدن بین آنان درمی‌گیرد (Ibid, P.1).

در گذشته دادگاه‌ها با توسل به دلیل کلی نظم عمومی از اجرای توافق زوجین راجع به قانون قابل اعمال خودداری می‌کردند و در مقام توجیه و تحلیل این دلیل، ادعا می‌کردند که چنین توافقی با ترغیب زوجین به تقاضای طلاق، پیوند ازدواج را تضعیف می‌کند (H.Bix, 2002, P.264) این معاذیر امروزه چندان استفاده نمی‌شود و چندان اعتقادی به آن وجود ندارد. به همان میزانی که در چارچوب یک معامله تجارتي متصور است، دلایل متعددی برای احترام به انتخاب طرفین در قرارداد ازدواج وجود دارد. در صورت تجویز انتخاب زوجین، آن‌ها می‌توانند قانونی را انتخاب کنند که با علایق آن‌ها و اوضاع و احوال مرتبط با ایشان تناسب بیشتری دارد. انتخاب طرفین امکان سوءاستفاده از حق انتخاب دادگاه توسط خواهان را محدود می‌کند. همانطور که در بند ۹ گزارش شورای اروپا منضم به آیین-نامه ۲۰۱۰ آمده است، اجازه انتخاب قانون از وضعیتی جلوگیری می‌کند که یکی از زوجین قبل از دیگری طرح دعوی می‌کند و به این ترتیب دعوی تابع قواعد مادی یا حل تعارض کشوری قرار می‌گیرد که منافع وی را بهتر تأمین می‌کند (EU Official Journal, L 343/10). اراده زوجین در آیین‌نامه ۲۰۱۰ اتحادیه اروپا نقش اصلی در تعیین قانون حاکم دارد.^۱ سایر

1- Article 5 Choice of applicable law by the parties 1. The spouses may agree to designate the law applicable to divorce and legal separation provided that it is one of the following

عوامل ارتباط مقرر در ماده ۸ آیین‌نامه در صورتی اعمال می‌شود که هیچ توافقی بین طرفین در میان نباشد.^۱ انتخاب فردی امروزه یک ارزش اساسی در زندگی خانوادگی است؛ اما شناسایی آزادی زوجین در مصوبه اتحادیه اروپا حاصل یک مصالحه بین سیستم‌های سنتی حل تعارض است. نویسندگان آیین‌نامه بین مدافعان ضابطه تابعیت و مدافعان ضابطه سکونت و اقامت سازش برقرار کردند. در واقع همان‌طور که خواهیم دید، عوامل ارتباط قبلی هنوز از بین نرفته است؛ زیرا زوجین بر طبق آیین‌نامه نمی‌توانند چیزی بیشتر از قانون محل سکونت، قانون تابعیت و قانون مقرر را انتخاب کنند (Franzina, 2011, P.108).

مطابق بند یک ماده ۵ آیین‌نامه رم سه دربارہ قانون قابل اعمال بر طلاق و تفکیک قانونی، زوجین می‌توانند قانون قابل اعمال بر طلاق را انتخاب کنند، مشروط بر این‌که قانون محل سکونت عادی مشترک، قانون محل سکونت عادی قبلی، قانون متبوع هر یک از زوجین یا قانون مقرر دادگاه باشد.

در ایالات متحده، دادگاه‌ها رویه یکسانی در باره انتخاب قانون حاکم بر طلاق ندارند. به زعم برخی دادگاه‌ها چنین شروطی باید پذیرفته شود، مگر این‌که به شدت مغایر با نظم عمومی مقرر دادگاه باشد. در سال ۲۰۰۱ دادگاه ایالت لوئیزیانا از پذیرش شرط انتخاب قانون امتناع کرد. به این دلیل که ارتباط طرفین با محل انتخاب، یعنی کارولینای شمالی، بسیار کم‌اهمیت و جزئی است.^۲ از سوی دیگر، در سال ۲۰۰۰ دادگاه کارولینای

laws: (a) the law of the State where the spouses are habitually resident at the time the agreement is concluded; or (b) the law of the State where the spouses were last habitually resident, in so far as one of them still resides there at the time the agreement is concluded; or (c) the law of the State of nationality of either spouse at the time the agreement is concluded; or (d) the law of the forum.

1- Article 8 Applicable law in the absence of a choice by the parties In the absence of a choice pursuant to Article 5, divorce and legal separation shall be subject to the law of the State: (a) where the spouses are habitually resident at the time the court is seized; or, failing that (b) where the spouses were last habitually resident, provided that the period of residence did not end more than 1 year before the court was seized, in so far as one of the spouses still resides in that State at the time the court is seized; or, failing that (c) of which both spouses are nationals at the time the court is seized; or, failing that (d) where the court is seized.

2- *Robinson v. Robinson*, 778 So. 2d 1105 (La. 2001), rehearing denied, March 16, 2001.

شمالی متعاقب شرط انتخاب قانون به اعمال قانون ایالت ایلی‌نویز مبادرت کرد؛ به این دلیل که طرفین در زمان توافق در ایالت مورد انتخاب، یعنی ایلی‌نویز، اقامت داشتند و قانون این ایالت مغایر نظم عمومی کارولینای شمالی نبود^۱ (H. Bix, 2002, P.263).

به این ترتیب، مصوبات اتحادیه اروپا با احصای قوانین مرتبط، در مقایسه با حقوق ایالات متحده، ثبات و قابلیت پیش‌بینی بیشتری به زوجین اعطا کرده است؛ اگرچه در سوی مقابل، این مصوبات انعطاف کمتری دارد و اختیار کمتری برای انطباق با اوضاع و احوال خاص هر دعوی به دادگاه‌ها اعطا می‌کند.

موضوع انتخاب زوجین در آیین‌نامه اتحادیه اروپا

موضوع انتخاب قانون در بیشتر نظام‌های حقوقی ملی و اسناد بین‌المللی تنها قانون یک کشور یا دولت است. حقوق غیردولتی از قبیل اصول یونیدوا نمی‌تواند به عنوان قانون حاکم انتخاب شود. قواعد شریعت اسلامی یا قواعد مذهب مسیحیت نیز جزو حقوق غیردولتی محسوب می‌شود و نمی‌تواند به عنوان قانون حاکم بر طلاق انتخاب شود (Stone, 2006, P.275).

در روابط خانوادگی و امور راجع به طلاق، حقوق غیردولتی عمدتاً در قالب انتخاب قواعد مذهبی متجلی می‌شود. روش تنظیم قواعد آیین‌نامه رم سه مبین آن است که طرفین فقط می‌توانند حقوق یک کشور را انتخاب کنند. آیین‌نامه صرفاً اجازه انتخاب حقوق کشور محل سکونت، کشور متبوع طرفین، کشور مقر دادگاه... را می‌دهد؛ اما لازم نیست که قانون منتخب، قانون یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا باشد. طرفین می‌توانند قانون دولتی را انتخاب کنند که مبتنی بر حقوق مذهبی است یا حقوق دولتی را انتخاب کنند که مسائل ازدواج و طلاق را با توجه به مذهب شخص حل‌وفصل می‌کند. این مسأله از آن رو قابل توجه است که بسیاری از شهروندان اروپایی دارای تابعیت مضاعف هستند و غالباً تابعیت دولتی مانند الجزایر یا مراکش را نیز دارند که قواعد مذهبی بخشی از حقوق آن کشورهاست (Kruger, 2012, P.15).

1- Torres v. McClain, 535 S.E.2d 623 (N.C. Ct. App. 2000)

مصادیق قوانین مرتبط در آیین‌نامه اتحادیه اروپا

محدود کردن حق انتخاب زوجین به سیستم‌های حقوقی معین، دلالت بر این نگرش دارد که زوجین فقط مجاز به انتخاب قانون کشورهای هستند که رابطه نزدیکی با آن کشور دارند. در ادامه مصادیق قوانین قابل انتخاب توسط زوجین در آیین‌نامه اروپایی رم سه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- محل سکونت عادی^۱: بندهای یک و دو ماده ۵ آیین‌نامه رم سه قانون محل سکونت عادی را به عنوان قانون مجاز برای انتخاب معرفی کرده است.^۲ نکته قابل توجه این‌که آیین‌نامه به محل سکونت عادی زوجین در یک کشور (نه محل سکونت مشترک) ارجاع داده است. این بدان معنی است که حتی اگر زوجین زندگی مجزی داشته باشند، اما همچنان در یک کشور حضور داشته باشند، می‌توانند قانون آن کشور را انتخاب کنند. آیین‌نامه رم سه تعریفی از محل سکونت عادی نداده است و تفسیر متحد از این عبارت به صورت مستقل از حقوق داخلی کشورهای بر عهده دیوان دادگستری اروپایی است. دیوان دادگستری اروپا در یک مسأله خارج از بحث طلاق و راجع به کمک هزینه مأموریت کمیسیون اروپا سعی در تبیین مفهوم محل سکونت عادی کرد و اظهار داشت که محل سکونت عادی محلی است که مأمور مربوط در آنجا مستقر است، با قصد دایمی؛ یعنی آنجا مرکز دایمی علایق وی است. البته همه اوضاع و احوال واقعی که چنین سکونتی را تشکیل می‌دهد، باید مورد توجه قرار گیرد.^۳

بنابراین، معیار دیوان دادگستری اروپایی برای محل سکونت عادی، عبارت است از ترکیب میان عامل ذهنی، یعنی قصد شخص مربوط، و عوامل عینی مانند سکونت واقعی و مدت سکونت (Haladova, 2011, P.1).

1- Habitual Residence

2- (a) the law of the State where the spouses are habitually resident at the time the agreement is concluded; or (b) the law of the State where the spouses were last habitually resident, in so far as one of them still resides there at the time the agreement is concluded.

3- ECJ case C-452/93 P, Magdalena Fernández v. Commissie, ECR 1994, I-4295, §22.

اگر زوجین در کشوری سکونت عادی داشته باشند که بیشتر از یک سیستم حقوقی دارد، ما با تعارض داخلی قوانین مواجه خواهیم بود. دلایل نژادی، مذهبی یا موقعیت جغرافیایی می‌تواند باعث شود در یک سرزمین قوانین گوناگون درباره طلاق قابل اعمال باشد؛ همانطور که در کشور ما اتباع شیعه تابع قوانین عام راجع به ازدواج و طلاق و اقلیت‌های دینی و مذهبی تابع مقررات مخصوص به خود هستند. در صورتی که جایابی عامل ارتباط به کشور دارای تنوع قوانین منتهی شود، با توجه به قواعد حل تعارض داخلی چنین کشوری، قانونی از بین قوانین حاکم در آن کشور تعیین می‌گردد (خامی‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۴۹). ماده ۱۵ آیین‌نامه رم سه نیز با تاکید بر این حکم اذعان می‌دارد که اگر زوجین قانون چنین کشوری را به عنوان قانون محل سکونت عادی خود انتخاب کرده باشند، قواعد حل تعارض داخلی کشور منتخب تعیین خواهد کرد که کدام سیستم حقوقی باید اعمال شود.

۲- تابعیت (مشکل تابعیت مضاعف): بند سوم ماده ۵ آیین‌نامه رم سه قانون متبوع زوجین را به عنوان یکی از قوانین مجاز برای انتخاب زوجین معرفی کرده است. انتخاب تابعیت، محدود به تابعیت مشترک نیست؛ طرفین می‌توانند قانون متبوع یکی از زوجین را به عنوان قانون منتخب تعیین کنند^۱.

طرفین می‌توانند سیستم حقوقی کشوری را انتخاب کنند که عضو این آیین‌نامه و حتی عضو اتحادیه اروپا نیست. خصوصیت اعمال جهان‌شمول در همه آیین‌نامه‌های تعارض قوانین اتحادیه اروپا از جمله ماده ۴ آیین‌نامه رم سه وجود دارد و دادگاه‌های کشورهای اروپایی را به اعمال قانون کشوری حتی خارج از اروپا بر اساس قواعد حل تعارض هدایت می‌کند.

مشکل تابعیت‌های مضاعف، برای اولین بار در حقوق بین‌الملل خصوصی اتحادیه اروپا به صراحت در یادداشت رسمی شماره ۲۲ منضم به آیین‌نامه رم سه اشاره شده است. این یادداشت مقرر می‌دارد: در جایی که این آیین‌نامه، به تابعیت به عنوان یک عامل ارتباط برای اعمال حقوق یک کشور اشاره دارد، چگونگی حل و فصل مسأله تابعیت‌های چندگانه

1- the law of the State of nationality of either spouse at the time the agreement is concluded

با رعایت کامل اصول کلی اتحادیه اروپا باید به حقوق ملی کشورها واگذار شود. روش سنتی مواجهه کشورها با مسأله تابعیت مضاعف، همان روشی است که در کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه درباره حل و فصل برخی مسائل راجع به تابعیت آمده است. یعنی اگر یکی از تابعیت‌های چندگانه، تابعیت دولت مقر دادگاه باشد، همین تابعیت ترجیح دارد؛ اما اگر هیچ کدام از تابعیت‌ها تابعیت دولت مقر دادگاه نباشد، تابعیت موثر یا تابعیت دارای نزدیک‌ترین ارتباط، ملاک عمل قرار می‌گیرد.

یادداشت فوق متضمن یک قید ظریف است: احترام به حقوق اتحادیه اروپا. دیوان دادگستری اروپایی بارها به مسائل ناشی از تابعیت مضاعف رسیدگی کرده است. در دعوی مربوط به تعیین نام کودکان چندتابعیتی (بلژیک و اسپانیا)، دیوان دادگستری اروپایی مقرر کرد که مقامات بلژیک مجاز نیستند با نادیده گرفتن تابعیت اسپانیایی تنها تابعیت بلژیک را مورد توجه قرار دهند و آن را به عنوان ترجیح تابعیت دولت مقر دادگاه توجیه کنند. اگر والدین تمایل دارند که تابعیت اسپانیایی مورد توجه قرار گیرد و حقوق اسپانیا اعمال شود، مقامات دولتی بلژیک باید چنین کاری را اجازه دهند^۱ (Kochenov, 2011, P.14).

این بدان معناست که اشخاص مجاز هستند بین دو تابعیت خود انتخاب کنند و اولویت تابعیت مقر دادگاه نمی‌تواند در چارچوب اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار گیرد. رأی دیگر دیوان دادگستری اروپایی درباره صلاحیت دادگاه در دعوی خانوادگی است. آیین‌نامه بروکسل دو در ماده سه درباره طلاق، از جمله به دادگاه کشوری اعطای صلاحیت می‌کند که هر دو زوجین تابعیت آن کشور را داشتند؛ در دعوی مزبور، هر کدام از زن و مرد، تابعیت دوگانه فرانسه و مجارستان را داشتند. آیا هر دو تابعیت برای اعمال صلاحیت معتبر است و زوجین می‌توانند در هر یک از دو کشور طرح دعوی کنند یا این‌که ابتدا باید تعارض در تابعیت از طریق ضابطه تابعیت مؤثر یا ضوابط دیگر حل و فصل شود؟ به‌زعم دیوان دادگستری اروپایی هر دو تابعیت ارزش یکسانی دارند و زوجین حق دسترسی به دادگاه‌های هر دو کشور را دارند^۲. دیوان اظهار داشت که آیین‌نامه بروکسل دو هیچ‌گونه

1- ECJ case C-148/02, Garcia Avello, ECR 2005, I-11613.

2- ECJ case C-168/08, Hadadi v. Mesko, ECR 2009, I-6871

ضابطه‌ای راجع به کیفیت تابعیت (مثلاً از حیث موثر بودن تابعیت) وضع نکرده است و کنترل کیفیت تابعیت با هدف تسهیل اعمال آیین‌نامه از طریق استفاده از یک عامل ارتباط ساده و بدون ابهام مغایرت دارد (Kruger, 2012, P.8).

۳- **قانون مقر دادگاه:** آخرین گزینه برای انتخاب طرفین در ماده ۵ آیین‌نامه رم سه عبارت از قانون مقر دادگاه است. به این ترتیب طرفین می‌توانند بین دادگاه صالح و قانون حاکم، هماهنگی برقرار کنند. دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی از جمله طلاق در ماده ۳ آیین‌نامه بروکسل دو تعیین شده است. این حکم بدان معناست که طرفین می‌توانند سیستم حقوقی هر کشوری را انتخاب کنند که دادگاه آن کشور بر طبق آیین‌نامه بروکسل دو دارای صلاحیت است.

محدودیت‌های انتخاب قانون در آیین‌نامه اتحادیه اروپا و ایالات متحده

در همه سیستم‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی، انتخاب قانون تابع محدودیت‌های معینی است. علاوه بر نظم عمومی محدودیت‌های اختصاصی دیگری وجود دارد که از ماهیت طلاق و ارتباط عمیق آن با مبانی اجتماعی و سیاسی نشأت می‌گیرد.

۱- **رابطه کاملاً داخلی:** به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از حق انتخاب در برخی وضعیت‌ها نتایج انتخاب متعاقبین محدود می‌شود. در جایی که رابطه حقوقی ناظر به یک وضعیت صرفاً داخلی است و هیچ ارتباطی با یک کشور خارجی ندارد، قابلیت اعمال قانون منتخب خارجی محدود می‌شود. براین اساس، مطابق بند ۳ ماده ۳ آیین‌نامه رم یک، و نیز بند ۲ ماده ۴ آیین‌نامه رم دو، در جایی که رابطه حقوقی تنها با یک کشور وجود دارد، انتخاب قانون خارجی خللی به اعمال قواعد آمره آن کشور وارد نمی‌کند. منظور از قواعد آمره، مجموعه مقررات ملی است که صرف نظر از هر قانون قابل اعمال اجرا می‌شود. این قواعد متضمن منافع عمومی در معنای وسیع کلمه هستند و غالباً ماهیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارند (Ruhl, 2012, P.8).

در ایالات متحده، همین وضعیت بر اساس ماده ۱۸۷ ویرایش دوم شرح جدید حقوقی صدق می‌کند. هیچ حکم صریحی مانند حقوق اروپایی در این موضوع وجود ندارد؛ اما

تفسیر رسمی ماده ۱۸۷ مشخص می‌کند که این ماده تنها در صورتی اعمال می‌شود که دو یا چند کشور در وضعیت مورد نظر ذی‌نفع باشند. بنابراین اگر فقط یک کشور از رابطه حقوق متأثر باشد، ماده ۱۸۷ اعمال نخواهد شد (Ruhl, 2012, P.7).

در روابط خانوادگی از قبیل طلاق برخی سیستم‌های حقوقی مانند آیین‌نامه رم سه با تقلیل دامنه انتخاب طرفین به همین نتیجه دست یافته‌اند؛ به طوری که طرفین فقط حق انتخاب قانون یکی از کشورهای مرتبط با موضوع را دارند و لذا در عمل نمی‌توانند در یک رابطه کاملاً داخلی به انتخاب قانون خارجی بپردازند.

۲- نفی حق طلاق: در بسیاری از کشورها، خصوصاً کشورهای تابع مذهب کاتولیک، برای مدت مدیدی وقوع طلاق امری مغایر با نظم عمومی شمرده می‌شد و حتی اتباع خارجی نیز از استیفای حق طلاق خود ممنوع بودند. بعد از تحولات فراوان، امروزه حق طلاق حداقل در همه کشورهای اروپایی پذیرفته شده است؛ اما اسباب طلاق در بین آنان متفاوت است. در برخی کشورها مانند فنلاند و سوئد زوجین ملزم به ارائه هیچ دلیلی برای طلاق نیستند؛ اما برخی کشورهای دیگر معیارهای مضیق‌تری دارند. بر طبق حقوق مالت که طلاق اخیراً در آن پذیرفته شده است، وقوع طلاق منوط به چهار سال جدایی میان زوجین است. مشروط بر این‌که دادگاه توجیه گردد که هیچ احتمال منطقی برای سازش میان زوجین وجود ندارد (Franzina, 2011, P.89).

در بسیاری از کشورهای اروپایی عدم امکان وقوع طلاق، امری مغایر با نظم عمومی محسوب می‌شود؛ به طوری که مطابق ماده ۱۰ آیین‌نامه رم سه، اگر قانون قابل اعمال هیچ حکمی راجع به طلاق نداشته باشد، قانون مقر دادگاه اعمال می‌شود. استفاده از این قاعده، جنبه امری دارد و دادگاه نمی‌تواند از اعمال آن خودداری کند. همه قضات کشورهای عضو آیین‌نامه موظفند امکان دسترسی به طلاق را برای زوجین، صرف‌نظر از محل سکونت و قانون منتخب آنان، مهیا کنند. اگر عامل ارتباط داخلی یک کشور به قواعد مذهبی ارجاع می‌دهد که این قواعد طلاق را غیرممکن می‌سازد، قانون این کشور نمی‌تواند اجرا شود. عدم امکان اعمال قانون خارجی، به موردی نیز تعمیم می‌یابد که سیستم حقوقی منتخب، حق مساوی در طلاق به زوجین ارائه نمی‌دهد. این استثنا زمانی اهمیت دارد که سیستم حقوقی

منتخب، متضمن اشکالی از طلاق نظیر حقوق اسلامی است که در آن شوهر حق انحصاری برای طلاق دارد (Kruger, 2012, P.13).

۳- **نظم عمومی مقر دادگاه:** ماده ۱۲ آیین‌نامه رم سه، متضمن حکمی است که در همه قوانین ملی و نیز اسناد بین‌المللی راجع به تعارض قوانین وجود دارد. اعمال قانون خارجی می‌تواند منع شود، در صورتی که آشکارا مغایر با نظم عمومی کشور مقر دادگاه باشد. این استثنای کلی همواره در کشورهای مختلف تفسیرهای متفاوتی یافته است.

در ارتباط با طلاق، به طور سنتی نظم عمومی در کشورهای اروپایی متضمن دو ارزش ماهوی است: نخست حق تحصیل طلاق در جایی که زندگی مشترک برای هر یک از زوجین غیرقابل تحمل باشد، و دوم تساوی حقوق زوجین در طلاق. غیر از حکم ماده ۱۰ آیین‌نامه (نفی حق طلاق) در جایی که ادامه زندگی مشترک به دلیلی از قبیل خشونت خانوادگی غیرقابل تحمل باشد و قانون خارجی منتخب انحلال نکاح را در چنین وضعیتی اجازه ندهد، اعمال این قانون خارجی مغایر نظم عمومی مقر دادگاه است.

ماده ۱۲ آیین‌نامه، قانون جایگزین را در صورت اعمال قاعده نظم عمومی تعیین نکرده است. اعمال قانون مقر دادگاه یک راه‌حل نهایی است. اگر زوجین بر طبق ماده ۵ قانون کشور خاصی را انتخاب کرده باشند و اعمال این قانون مغایر نظم عمومی مقر دادگاه باشد، دادگاه باید در وهله دوم قانون معین از طریق سایر عوامل ارتباط مندرج در ماده ۸ آیین‌نامه را اعمال کند. در صورتی که قوانین مزبور نیز مغایر نظم عمومی باشند، در مرحله آخر، دادگاه قواعد مادی قانون مقر را به اجرا می‌گذارد.

تمایل به قراردادی کردن حقوق خانواده و دخالت روزافزون حاکمیت اراده موجب بازتعریف نظم عمومی در این حوزه شده است و از نظم عمومی هدایتی^۱ که تمایل به حفظ مدل‌های خانوادگی معینی داشت، به نظم عمومی حمایتی^۲ سوق یافته است که بر وضعیت اشخاص و حفاظت از حقوق آنان تمرکز دارد (Franzina, 2011, P.109).

به همین دلیل، بند ۲۵ یادداشت رسمی منضم به آیین‌نامه، اشعار می‌دارد که اعمال قاعده

1- ordre public de direction
2- ordre public de protection

نظم عمومی نباید معارض با منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی و خصوصاً اصل ممنوعیت کلیه اشکال تبعیض باشد. از جمله این حقوق اساسی، ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که متضمن حق اشخاص برای اتخاذ تصمیمات اساسی است که زندگی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

حاکمیت اراده و قاعده ایرانی حل تعارض راجع به طلاق

در حقوق ایران، قانون مهم‌ترین منبع قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی است. طلاق به عنوان مصداقی از احوال شخصیه تابع قواعد مندرج در مواد ۶، ۷ و ۹۶۳ قانون مدنی است. مطابق این مقررات، عامل ارتباط در موضوع طلاق، تابعیت زوجین و در صورت اختلاف در تابعیت زوجین، تابعیت دولت متبوع شوهر است. البته این حکم صرفاً ناظر به مسائل ماهوی طلاق است؛ مسائل شکلی طلاق همانند سایر مصداق آیین دادرسی تابع قانون مقر دادگاه است. قانونگذار از امکان تراضی زوجین بر قانون حاکم در دعوی طلاق سخنی به میان نیاورده است و در نفی یا اثبات حاکمیت اراده حکمی ندارد. با سکوت قانون، این سؤال پدید می‌آید که تبعیت احوال شخصیه و به طور خاص طلاق از قانون دولت متبوع اشخاص، یک قاعده تکمیلی است یا باید آن را یک قاعده امری به شمار آورد؟ همان‌طور که طلاق و شرایط ماهوی آن نمی‌تواند به اراده زوجین واگذار شود، به طریق اولی قانون حاکم بر طلاق نیز نمی‌تواند با تراضی و توافق زوجین تعیین گردد.

در این راستا می‌توان به قاعده تبعیت قواعد حل تعارض از قانون ماهوی استناد کرد. در حقوق ایران برخی استادان در مقام پاسخ به امری یا تکمیلی بودن قواعد حل تعارض و عامل ارتباط مندرج در آن با توجه به سکوت قانونگذار، بر اساس "تبعیت قاعده حل تعارض از قاعده مادی یا ماهوی" به این مسأله پاسخ می‌دهند. به این ترتیب، از آنجا که قواعد مادی حقوق قراردادهای، جنبه تکمیلی و اختیاری دارد، قاعده حل تعارض راجع به قراردادهای نیز دارای وصف امری است. برعکس، از آنجا که قواعد مادی ارث، ازدواج، طلاق و به طور کلی احوال شخصیه، جنبه امری دارد و امکان تراضی اشخاص خصوصی برخلاف آن متصور نیست، قاعده حل تعارض راجع به این دسته ارتباط نیز جنبه امری

دارد. بنابراین، اشخاص نمی‌توانند بر خلاف قانون ملی یا متبوع خود ازدواج کنند، طلاق بگیرند، معارض با آن وصیت کنند، یا ماترک را بر خلاف قانون متبوع تقسیم کنند (الماسی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۴).

حتی در دسته ارتباط قراردادهای که بسیاری از کشورها، حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم را به عنوان یک اصل کلی حقوقی پذیرفته‌اند، در حقوق ایران به دلیل عبارت مندرج در قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی، اختلافات زیادی درباره محدودیت حاکمیت اراده و امری یا تکمیلی بودن حکم مندرج در ماده ۹۶۸ قانون مدنی وجود دارد؛ در حالی که بسیاری از کشورها با رعایت برخی ملاحظات، حداقل در دسته قراردادهای، قواعد حل تعارض را اختیاری فرض کرده‌اند و فضایی برای متعاقدين جهت انتخاب قانون مناسب بازگذاشته‌اند.

در کشور ما برخی نویسندگان با توجه به این‌که قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی فقط برای اتباع خارجی حق انتخاب قانون حاکم قایل شده است، قاعده حل تعارض راجع به قراردادهای (محل وقوع عقد) را برای اتباع ایرانی امری و غیرقابل تغییر می‌دانند (نیکبخت، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴).

بدیهی است در چنین موقعیتی که حق انتخاب حتی در دسته قراردادهای محل تامل و تردید است، نمی‌توان درباره آزادی اراده اتباع ایرانی در احوال شخصیه و قانون حاکم بر طلاق سخن گفت. حتی رأی صادره از دادگاه‌های کشورهای اروپایی در موضوع طلاق اتباع ایرانی که بر اساس قانون منتخب زوجین - نه قانون متبوع آنان - صادر شده باشد، در دادگاه‌های ایران قابل تنفیذ و شناسایی نیست؛ زیرا این رای برخلاف قاعده ایرانی حل تعارض صادر شده است. مطابق بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، احکام مدنی صادره از دادگاه‌های خارجی در صورتی در ایران اجرا می‌شود که مخالف نظم عمومی نباشد. از آنجا که حکم مندرج در ماده ۶ قانون مدنی مبنی بر تبعیت اتباع ایرانی از قانون ملی درباره طلاق دارای ویژگی امری و ناشی از نظم عمومی است، بنابراین حکم مغایر با آن در دادگاه‌های ایران قابل شناسایی و اجرا نیست.

از سوی دیگر، در مورد طلاق اتباع خارجی مقیم ایران نیز دادگاه‌های ایران باید بر طبق قانون متبوع آنان رسیدگی کنند. دادگاه ایران باید در ابتدا به قاعده حل تعارض دولت

خارجی، مثلاً به قاعده حل تعارض کشور هلند، مراجعه کند؛ این قانون به تبع آیین‌نامه رم سه اتحادیه اروپا به زوجین حق انتخاب قانون حاکم اعطا کرده است و انتخاب زوجین را معتبر می‌داند. در این صورت، آیا دادگاه ایرانی باید با توجه قواعد مادی کشور منتخب زوجین رای صادر کند؟ پاسخ این سؤال در مسأله احاله و ماده ۹۷۳ قانون مدنی نهفته است؛ به این معنا که اگر قانون منتخب، قانون مقر دادگاه یعنی ایران باشد، با احاله درجه یک مواجه هستیم و باید بر طبق قواعد مادی ایران به دعوی طلاق رسیدگی کرد. اما اگر قانون منتخب، قانون کشور ثالث باشد، دادگاه ایران مکلف به رعایت این احاله نیست و باید طبق قواعد مادی کشور احاله‌کننده، یعنی قانون متبوع زوجین، به دعوی رسیدگی کرد.

با توجه به این‌که تأمین منافع خصوصی هدف اصلی قاعده‌سازی در حقوق بین‌الملل خصوصی است، تلقی تکمیلی و اختیاری از مواد ۶ و ۷ قانون مدنی و تجویز انتخاب قانون محل اقامت به جای قانون تابعیت (تا آنجا که قانون منتخب با نظم عمومی ایران در تعارض نباشد)، روابط خصوصی بین‌المللی را تسهیل و انتظارات مشروع اشخاص خصوصی را تضمین می‌کند. نگرش امری و مضیق به ماده ۷ قانون مدنی، اتباع خارجی را حتی از انتخاب قانون محل اقامت خود، یعنی قانون ایران، باز می‌دارد و دادگاه را با دشواری اثبات قانون خارجی مواجه می‌کند.

یافته‌های پژوهش

- ۱- عامل ارتباط متداول در دسته احوال شخصیه منحصر به تابعیت و اقامتگاه نیست.
- ۲- بسیاری از کشورها به سوی اعمال قانون مقر دادگاه، قانون محل سکونت عادی و اخیراً قانون حکومت اراده گرایش یافته‌اند.
- ۳- در اتحادیه اروپا، آیین‌نامه سال ۲۰۱۰ به طور محدود به زوجین اجازه داده است قانون حاکم بر طلاق را از بین قانون چند کشور مرتبط انتخاب کنند.
- ۴- رویه قضایی ایالات متحده نیز انتخاب قانون حاکم بر طلاق را در صورت ارتباط زوجین با قانون منتخب و به شرط عدم مغایرت انتخاب زوجین با نظم عمومی محل دادگاه، مورد پذیرش قرار داده است.

- ۵- در کشور ایران، قواعد مادی - جز در موارد خاص - و نیز قاعده حل تعارض راجع به طلاق جزو قواعد امری و تخلف‌ناپذیر به شمار می‌رود.
- ۶- در مورد اتباع خارجی مقیم در ایران نیز ماده ۷ قانون مدنی، دادگاه ایرانی را به اعمال قانون ملی بیگانگان هدایت کرده است.
- ۷- با وجود امری بودن قاعده ایرانی حل تعارض راجع به طلاق، حاکمیت اراده به صورت غیرمستقیم بر اعمال قواعد حل تعارض تاثیرگذار است.
- ۸- در صورتی که قواعد حل تعارض کشور متبوع اشخاص بیگانه، حاکمیت اراده را پذیرفته باشد، در حدود مقررات احاله درجه یک باید به انتخاب زوجین ترتیب اثر داد.
- ۹- اجرای احاله درجه یک به اعمال قواعد ماهوی قانون مقر دادگاه یعنی قانون ایران بر اتباع خارجی مقیم ایران منتهی خواهد شد.
- ۱۰- نگرش امری و مضیق به ماده ۷ قانون مدنی، اتباع خارجی را حتی از انتخاب قانون محل اقامت خود، یعنی قانون ایران، باز می‌دارد و دادگاه را با دشواری اثبات قانون خارجی مواجه می‌کند.

منابع و مأخذ

- ❖ الماسی، نجادعلی، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ۱۳۹۳، چاپ چهاردهم، انتشارات میزان
- ❖ خمایی‌زاده، فرهاد، «تنوع قواعد حل تعارض»، ۱۳۷۶، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۱
- ❖ «جایابی عامل ارتباط»، ۱۳۸۵، مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۸
- ❖ نیکبخت، حمیدرضا، «ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون دابوری تجاری بین‌المللی»، ۱۳۷۹، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲
- ❖ Bix, H .Brian, *Choice of Law and Marriage: A Proposal*, 2002, Family Law Quarterly, Volume 36, Number 2.
- ❖ EU Official Journal, **COUNCIL REGULATION(EU) No 1259/2010 of 20 December 2010 implementing enhanced cooperation in the area of the law applicable to divorce and legal separation, 2010**, L 343/10, <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex:32010R1259>
- ❖ Franzina, Pietro, *The Law Applicable To Divorce and Legal Separation under Regulation(EU) No. 1259/2010*, 2011, Cuadernos de Derecho Transnacional, Vol. 3, N° 2, pp. 85-129 ISSN 1989-4570 - www.uc3m.es/cdt
- ❖ Haladova, Hana, *Habitual Residence in Brussels II Bis*, 2011, COFOLA: the Conference Proceedings, 1. Edition. Brno: Masaryk University, Available at www.ssrn.com
- ❖ House of Lords, *European Union Committee 52nd Report of Session 2005-06, Rome III—choice of law in divorce*, 2006, Published by the Authority of the House of Lords London: The Stationery Office Limited
- ❖ Kruger, Thalia, *Rome III and parties' choice*, 2012, ERA annual conference on family law, held in Trier on 24 and 25 September 2012, Available at www.ssrn.com

- ❖ Kochenov, Dimitry, *Double Nationality in the EU: An Argument for Tolerance*, 2011, Forthcoming in the European Law Journal, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1641090>
- ❖ Ruhl, Gisela, *Choice of Law by the Parties*, 2012, Jürgen Basedow, Klaus Hopt & Reinhard Zimmermann (eds), Max Planck Encyclopedia of European Private Law, Oxford University Press.
- ❖ Stone, Peter, *EU private International Law*, 2006, Elgar European Law

Archive of SID

سيادة القصد ومكانته في قانون الطلاق في القوانين الوضعية والوثائق الدولية^١

رضا مقصودي^٢

الملخص

يعتبر الطلاق عادة بإعتباره مصداق من المصاديق الشخصية في نظم حل الاختلاف عامل علاقة معينة مثل التابعة أو محل الإقامة في. و السؤال الرئيس هو: هل بإمكان الزوجين كطرفي العلاقة القانونية اختيار قانون خاص في طلاقهما أم لا؟ إن رعاية مصالح الدول ومنافع الطرف الثالث لا يعطى فرصة للزوجين للتوافق الخاص بينهما، وتعتبر قاعدة حل التعارض في مجال الطلاق قاعدة غير قابلة للمعارضة في القانون الإيراني، وذلك على أساس تبعية قاعدة حل التعارض عن القاعدة المادية. مع ذلك إن تغييرات القانون الدولي الخاص يؤدي إلى توسيع سيادة القصد في الأحوال الشخصية ويسمح للزوجين في كثير من البلاد اختيار قانون خاص من بين قوانين التي تتعلق بقضية الطلاق في طلاقهما. دراسة قانون الدول الأوروبية خاصة في ضوء القانون المصدق عليه عام ٢٠١٠ م للاتحاد الأوروبي، وكذلك الإجراء المتداول في محاكم الولايات المتحدة الأمريكية تبين مدى ضعف عوامل العلاقات التقليدية و تطور منزلة القصد في تعيين القانون السائد على الطلاق. حيث ستؤثر هذه التحولات على القوانين الإيرانية بشكل يُمكن المحاكم الإيرانية تطبيق القانون المختار من قبل الزوجين في إيران للأتباع الأجانب مستخدمة قواعد إحالة الدرجة الأولى.

الكلمات المفتاحية

الطلاق، عامل العلاقة، التابعة، محل الإقامة، القانون المُقر، سيادة القصد

١- تاريخ الاستلام: ١٥/٦/٢٠١٥؛ تاريخ القبول: ١٨/١/٢٠١٦